

کتاب علی (ع) از زبان علی (ع)

“علی (ع) از زبان علی (ع)” اثری است به همت “محمد محمدیان” که “زندگی و زمانه امیرالمومنین علی علیه السلام از زبان خودش” را در اختیار دوست داران حضرت قرار می دهد.

“محمد محمدیان” این اثر را با روایتی اول شخص و یکدست به رشته ی تحریر در آورده تا همان طور که عنوان اثر “علی (ع) از زبان علی (ع)” نام دارد، خواننده حس کند که این روایت توصیفی، از جانب خود امیرالمومنین علی (ع) صورت گرفته است. یک تفاوت اساسی کتاب “علی (ع) از زبان علی (ع)” با دیگر کتب نگارش شده در شان و زندگی حضرت، این است که “محمد محمدیان” آن را بر اساس واقعیات نوشته و بر خلاف بسیاری از آثار مشابه، که عنصر تخیل را با وقایع تاریخی تلفیق کرده اند، “محمد محمدیان” در “علی (ع) از زبان علی (ع)”， شرحی حقیقی از یک حیات واقعی مملو از ایثار، رشادت، ایمان و جهاد را به تصویر کشیده است.

“محمد محمدیان” مراحل مختلف زندگانی حضرت را در این اثر ششصد و بیست و سه صفحه ای تشریح کرده که هر فصل از آن، بر اساس رویدادهای برجسته ی زندگی ایشان نامگذاری شده است.

“علی (ع) از زبان علی (ع)” شامل ده فصل است که دوران مکه، مدینه، دوران خلفا و سپس دوره ی خلافت خود حضرت، جنگ جمل، جنگ صفین، دوران حکمیت، جنگ نهروان، دوره ی غارت ها و سپس شهادت حضرت را در بر می گیرد.

“محمد محمدیان” تاکید داشته که برای نگارش “علی (ع) از زبان علی (ع)”， علاوه بر نهج البلاغه، دیگر آثار مهم شیعیان و اهل سنت را نیز مورد پژوهش قرار داده و تلاش کرده که در تدوین این اثر چیزی را از قلم نیاندازد.

قسمت هایی از کتاب علی (ع) از زبان علی (ع) (لذت متن) روز دوشنبه نبوت بر رسول خدا -صلی الله علیه و آله- ابلاغ و آن حضرت به رسالت مبعوث شد و من صبح روز سه شنبه اسلام آوردم و ایمان خویش را به رسول خدا اعلام کردم. از آن روز به بعد رسول خدا (ص) به نماز می ایستادند و من در سمت راست ایشان می ایستادم و با آن حضرت نماز می خواندم. در آن روزها هیچ مردی با آن حضرت همراه نبود، جز من. (به نقل از کتاب های تاریخ مدینه دمشق (اثر ابن عساکر) و مجمع

الزوائد (اثر هیثمی) که از کتاب های اهل سنت هستند.

****چند سطر از این کتاب:**

وقتی رسول خدا -صلی الله علیه و آله- به مدینه آمدند و مسجد مدینه را بنا نهادند، جمعی از مهاجران در اطراف مسجد خانه هایی ساختند و برای سهولت رفت و آمد به مسجد، دری از خانه خویش به مسجد باز کردند. چندی به این گونه گذشت تا اینکه دستور الهی نازل شد که همه این درها بسته شود؛ اما تنها خانه ای که از این دستور مستثنی بود، خانه من بود. این استثنی بر یاران رسول خدا -صلی الله علیه و آله- سنگین آمد. در توضیح این مسئله رسول خدا دست مرا گرفتند و فرمودند: موسی از خدا خواست که مسجد او به دست هارون تطهیر شود. من نیز از خدا خواسته ام که مسجد مرا به دست تو و نسل تو تطهیر کند... پس از این اقدامات رسول خدا (ص) به اصحاب خویش چنین توضیح دادند: «من به میل و خواست خویش ورودی خانه های شما را به مسجد نبستم و به خواست خودم اجازه باز بودن در خانه ی علی را صادر نکردم. این هردو دستور از جانب خداوند بود. (به نقل از کتاب های اهل سنت نظیر مجمع الزوائد (اثر هیثمی)، مناقب (اثر ابن مغازلی) و کنز العمال (اثر متقی هندی). زنی را که پس از شش ماه زندگی در کنار همسر خود فرزندی به دنیا آورده بود، به جرم ارتکاب فحشا نزد خلیفه دوم آوردند و خلیفه به خیال اینکه این زن مرتکب فحشا شده است، تصمیم گرفت وی را مجازات کند. من مانع مجازات آن زن شدم و توضیح دادم: اگر بخواهی از کتاب خدا دلیل می آورم که این زن بی گناه است و نباید مجازات شود

[انتشارات رویای آبی](#) خواندن این کتاب را به شما پیشنهاد می کند .

